



تقابل و تعامل فرهنگ با فناوری‌های نوین

میریحی فخری
کارشناس رسمی دادگستری در رشته راه و ساختمان

چکیده

این مقاله به بررسی تعامل پیچیده میان فرهنگ و فناوری با تمرکز بر تأثیر فناوری‌های نوین بر فرهنگ معاصر می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی از یک سو فرصت‌هایی مانند گسترش جهانی شدن فرهنگی، دسترسی بیشتر به دانش، و ظهور جنبش‌های فرهنگی جدید را فراهم کرده‌اند و از سوی دیگر چالش‌هایی مانند تهدید فرهنگ‌های بومی، نابرابری دیجیتال، و دوگانگی میان محلی‌گرایی و جهانی‌گرایی را به همراه داشته‌اند. مطالعه تطبیقی نشان داده که کشورهای غربی به‌طور کلی پذیرش لیبرال‌تری نسبت به فناوری دارند، در حالی که کشورهای در حال توسعه اغلب با احتیاط بیشتری عمل می‌کنند.

پیشنهادهای مقاله شامل ایجاد تعادل بین حفاظت از هویت فرهنگی و پذیرش فناوری، ارتقای سواد دیجیتال از طریق برنامه‌های آموزشی، و حمایت از دیجیتال‌سازی میراث فرهنگی است. موضوعاتی همچون تأثیر هوش مصنوعی بر هنر و فرهنگ، نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی هویت جوانان، و تفاوت تأثیر فناوری در جوامع شهری و روستایی به‌عنوان زمینه‌های پژوهشی آینده معرفی شده‌اند. مقاله نتیجه می‌گیرد که سیاست‌گذاری‌های هدفمند و همکاری‌های بین‌المللی برای مدیریت تعامل میان فرهنگ و فناوری ضروری هستند.

کلید واژگان: فرهنگ، فناوری، تعامل، تقابل، نوین، معاصر





۱- مقدمه

در عصر حاضر، فناوری‌های نوین با سرعت بی‌سابقه‌ای در حال تغییر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی جوامع هستند. این تغییرات از یک سو منجر به جهانی‌شدن فرهنگ‌ها و ظهور هنجارهای جدید شده و از سوی دیگر باعث تضعیف یا نابودی برخی از عناصر فرهنگی بومی شده‌اند. برای مثال، شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای همگرایی فرهنگی شناخته می‌شوند، اما درعین حال نگرانی‌هایی در مورد از دست رفتن هویت فرهنگی و تقویت کلیشه‌ها نیز به وجود آمده است.

با این حال، پژوهش‌های انجام شده بیشتر بر اثرات سطحی این فناوری‌ها تمرکز داشته‌اند و کمتر به مطالعه عمیق تعامل دوسویه و چگونگی تأثیر متقابل فرهنگ و فناوری پرداخته شده است. این تحقیق به بررسی و تحلیل نقش فناوری‌های نوین و تأثیرات منفی یا مفید بر فرهنگ جوامع بشری و ملل مختلف می‌پردازد.

۲- مفاهیم و تعاریف کلیدی از فرهنگ و فناوری نوین

۲-۱- تعریف فرهنگ: فرهنگ، مفهومی پیچیده و چند وجهی است که در طول تاریخ، توسط رشته‌های مختلف علمی از جمله جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه، تعاریف متنوعی از آن ارائه شده است. به‌طور کلی، فرهنگ به مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، زبان، هنر، دانش و شیوه‌های زندگی مشترک در یک گروه اجتماعی اطلاق می‌شود که به صورت نسل به نسل منتقل شده و هویت جمعی آن گروه را شکل می‌دهد. در ادامه، به تعریف فرهنگ از سه منظر جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، و فلسفه می‌پردازیم:

- از منظر جامعه‌شناسی: در جامعه‌شناسی، فرهنگ به عنوان الگوهای مشترک تفکر، احساس و عمل در یک گروه اجتماعی تعریف می‌شود. این الگوها، رفتار افراد را شکل می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا در جامعه خود تعامل کنند. جامعه‌شناسان فرهنگ را به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و نمادهایی تعریف می‌کنند که در یک جامعه معین شکل گرفته و رفتار افراد آن جامعه را هدایت می‌کنند. امیل دورکیم فرهنگ را عاملی برای ایجاد

انسجام اجتماعی می‌دانست و آن را به‌عنوان نوعی نظم جمعی توصیف می‌کرد. کلاید کلوکن و آلفرد کروبر نیز فرهنگ را به‌عنوان «مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری آموخته شده و انتقال یافته از نسلی به نسل دیگر» تعریف کرده‌اند.

- از منظر انسان‌شناسی: انسان‌شناسی بر تنوع فرهنگی جوامع مختلف تمرکز دارد و فرهنگ را به‌عنوان یک سیستم پیچیده از نمادها، ارزش‌ها و باورها می‌داند که به افراد کمک می‌کند تا دنیای اطراف خود را معنا کنند. انسان‌شناسان به فرهنگ به‌عنوان سیستم معانی و نمادهایی نگاه می‌کنند که انسان‌ها به کمک آن دنیای اطراف خود را درک می‌کنند. کلیفورد گیرتز، انسان‌شناس برجسته، فرهنگ را «شبکه‌ای از معانی» تعریف می‌کند که انسان‌ها در آن غرق‌اند و از طریق آن هویت خود را می‌سازند. از این منظر، فرهنگ نه تنها شامل هنر و ادبیات بلکه باورها، زبان، آیین‌ها و سبک‌های زندگی نیز می‌شود.

- از منظر فلسفه: در فلسفه، فرهنگ به‌عنوان یک پدیده تاریخی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که به‌طور مداوم در حال تغییر و تحول است. فرهنگ، محصول فعالیت‌های ذهنی و اجتماعی انسان است و به او امکان می‌دهد تا دنیای خود را بسازد و به آن معنا ببخشد. فلاسفه فرهنگ را به‌عنوان قلمرویی از خودآگاهی انسان می‌بینند که در آن معنا و ارزش‌ها شکل می‌گیرد. از دیدگاه ارنست کاسیرر، فرهنگ حاصل توانایی انسان در خلق نمادها است؛ از زبان گرفته تا هنر و اسطوره، هگل نیز فرهنگ را عرصه‌ای می‌داند که در آن آزادی انسان تجلی می‌یابد.

۲-۲- تعریف فناوری نوین

فناوری نوین؛ به مجموعه‌ای از ابزارها، روش‌ها و سیستم‌های مبتنی بر دانش و نوآوری اطلاق می‌شود که به‌طور مداوم در حال توسعه و تغییر هستند. این فناوری‌ها، زندگی روزمره ما را در همه ابعاد تحت تأثیر قرار داده‌اند و به شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی کمک کرده‌اند. برخی از این فناوری‌ها عبارت‌اند از:

- فناوری‌های دیجیتال: این فناوری‌ها بر اساس استفاده از اعداد و داده‌های دیجیتال برای پردازش اطلاعات عمل می‌کنند و شامل رایانه‌ها، تلفن‌های هوشمند، اینترنت، شبکه‌های



اجتماعی و نرم افزارهای مختلف می‌شوند.

• هوش مصنوعی (AI): هوش مصنوعی شاخه‌ای از علوم کامپیوتر است که به طراحی سیستم‌هایی می‌پردازد که قادر به تقلید از فرآیندهای شناختی انسان مانند یادگیری، استدلال و تصمیم‌گیری هستند. این فناوری در حوزه‌هایی نظیر پزشکی، حمل‌ونقل، و آموزش تحول ایجاد کرده است.

• اینترنت اشیا (IoT): اینترنت اشیا به شبکه‌ای از دستگاه‌های متصل به اینترنت گفته می‌شود که قادر به جمع‌آوری و تبادل داده هستند. از کاربردهای آن می‌توان به خانه‌های هوشمند، مدیریت انرژی و کشاورزی هوشمند اشاره کرد.

• بلاک‌چین: بلاک‌چین فناوری نوینی است که با ذخیره داده‌ها به صورت غیرمتمرکز، امنیت و شفافیت را در معاملات مالی و قراردادهای دیجیتال افزایش می‌دهد.

۲-۳- ارتباط بین فرهنگ و فناوری از نگاه نظریه پردازان

رابطه بین فرهنگ و فناوری، موضوعی است که توسط بسیاری از نظریه‌پردازان مورد بررسی قرار گرفته است. دو تن از مهم‌ترین این نظریه‌پردازان، مانوئل کاستلز و نیل پستمن هستند.

• مانوئل کاستلز: جامعه‌شناس اسپانیایی، بر نقش فناوری اطلاعات در شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای تأکید می‌کند. او معتقد است که فناوری اطلاعات، روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را متحول کرده و به ایجاد یک جامعه جهانی کمک کرده است. از نظر کاستلز، فناوری نه تنها بر فرهنگ تأثیر می‌گذارد، بلکه خود نیز محصولی از فرهنگ است. کاستلز در نظریه «جامعه شبکه‌ای» تأکید می‌کند که فناوری اطلاعات و ارتباطات، بنیان فرهنگ دیجیتال را شکل داده است. به اعتقاد او، فناوری شبکه‌ای، فرهنگ را از فرم‌های سنتی و محلی به سمت جهانی‌شدن سوق داده و تعاملات انسانی را بازتعریف کرده است. او معتقد است که این تغییرات باعث ظهور نوعی «فرهنگ واقعی مجازی» شده که در آن هویت‌ها، ارزش‌ها و تعاملات به صورت شبکه‌ای و فرامرزی شکل می‌گیرند.

• نیل پستمن: فیلسوف آمریکایی، بر تأثیرات منفی فناوری بر فرهنگ و جامعه هشدار می‌دهد. او معتقد است

که فناوری‌های جدید، به ویژه تلویزیون، به تخریب فرهنگ گفتگو و تفکر انتقادی کمک کرده‌اند. از نظر پستمن، فناوری‌ها اغلب برای اهداف تجاری و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند و به جای ارتقای فرهنگ، آن را تضعیف می‌کنند. پستمن در کتاب «تفریح تا سرحد مرگ» به نقد فناوری و اثرات آن بر فرهنگ می‌پردازد. او معتقد است که رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های جدید به تغییر بنیادین در ارزش‌های فرهنگی منجر شده‌اند. به گفته پستمن، فناوری نه تنها ابزار، بلکه عاملی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به معنا و تجربه انسانی است.

• مارشال مک‌لوهان: مک‌لوهان را می‌توان نظریه‌پرداز واسطه‌ای دانست، او معتقد بود فناوری و فرهنگ یکدیگر بسیار مرتبط هستند. او با شعار معروف «رسانه پیام است» بر این باور بود که ابزارهای ارتباطی جدید، نه تنها پیام بلکه ساختار فرهنگی جامعه را تغییر می‌دهند.

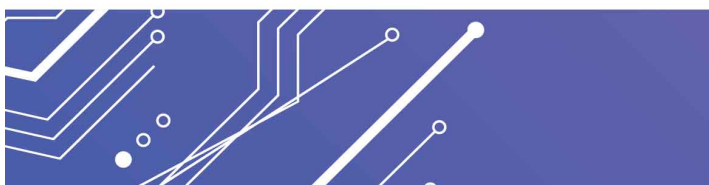
۳- بررسی تاریخی تعامل فرهنگ و فناوری

تعامل فرهنگ و فناوری، از منظر تاریخی، فرایندی پیچیده و پرفرازونشیب بوده که در دوره‌های مختلف تأثیرات گوناگونی بر جوامع انسانی داشته است. این تعامل یکی از نیروهای محرک تاریخ بشر بوده است. فناوری به عنوان ابزاری که انسان برای تسهیل زندگی خود ابداع می‌کند، نه تنها ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، بلکه ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگی جوامع را تغییر داده است. در اینجا، به بررسی تأثیر فناوری بر فرهنگ از منظر تاریخی و نمونه‌های شاخص پرداخته می‌شود.

۳-۱- نمونه‌های تاریخی از تأثیر فناوری بر فرهنگ

اختراع چاپ: اختراع چاپ توسط یوهانس گوتنبرگ در قرن پانزدهم یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ تعامل فرهنگ و فناوری بود. فناوری چاپ به گسترش دانش، افزایش سواد عمومی و تسریع انتقال اطلاعات کمک کرد. این اختراع، آغازگر تحولاتی مانند رنسانس فرهنگی و انقلاب علمی شد، زیرا امکان دسترسی عمومی به کتاب‌ها و منابع دانش را فراهم کرد:

• گسترش سواد و دانش: چاپ کتاب به تولید انبوه اطلاعات منجر شد و امکان دسترسی به متون علمی،





• گسترش اطلاعات و دانش: اینترنت امکان دسترسی به حجم عظیمی از داده‌ها و منابع آموزشی را فراهم کرده است.

• تحول در ارتباطات اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، و پیام‌رسان‌ها شیوه تعامل انسان‌ها را تغییر داده و مفهوم جدیدی از هویت فردی و جمعی ایجاد کرده‌اند.

• اقتصاد و فرهنگ دیجیتال: ظهور اقتصاد دیجیتال و خدماتی نظیر تجارت الکترونیک و موسیقی آنلاین، سبک زندگی مردم را تغییر داده است.

۴- دوره‌های تقابل و تعامل

۴-۱- دوره‌های تقابل: در برخی جوامع، فناوری‌های نوظهور ابتدا با مقاومت فرهنگی مواجه شدند، به‌عنوان مثال، ورود تلویزیون در برخی کشورها با انتقاد از تغییر ارزش‌های سنتی همراه بود. همچنین فناوری چاپ در جوامع مذهبی سنتی به دلیل نگرانی از گسترش اندیشه‌های مخالف، مقاومت‌هایی را تجربه کرد.

• مخالفت با ماشین‌های صنعتی در قرن نوزدهم: در انگلستان، جنبش لادیسم (Luddism) به تخریب ماشین‌های صنعتی پرداخت، زیرا آن‌ها را تهدیدی برای مشاغل سنتی می‌دانست.

• نگرانی از اثرات تلویزیون و سینما: در اوایل قرن بیستم، ورود سینما و تلویزیون با نگرانی‌هایی از سوی گروه‌های مذهبی و محافظه‌کار همراه بود که این فناوری‌ها را تهدیدی برای اخلاقیات جامعه می‌دانستند.

• مقاومت در برابر اینترنت در جوامع محافظه‌کار: در بسیاری از کشورها، اینترنت به دلیل تهدیدی برای ارزش‌های سنتی و انتشار اطلاعات کنترل نشده، با محدودیت و سانسور مواجه شده است.

۴-۲- دوره‌های تعامل: دوره‌هایی نیز وجود داشته که فناوری و فرهنگ به همدیگر کمک کرده و رشد یکدیگر را تسریع کرده‌اند. اینترنت و فناوری‌های دیجیتال، به‌عنوان نمونه‌ای مدرن از تعامل میان فرهنگ و فناوری بهره‌برده و سبب شدند تا افراد به فرهنگ‌های مختلف دسترسی پیدا کنند و تعاملات بین فرهنگی تقویت شود.

• رنسانس و اختراع چاپ: در دوران رنسانس، چاپ به انتشار ایده‌های فلسفی، علمی و هنری کمک کرد و

مذهبی و ادبی را برای طبقات بیشتری از جامعه فراهم کرد.

• انقلاب دینی: چاپ کتاب مقدس به زبان‌های محلی به گسترش جنبش اصلاحات پروتستانی کمک کرد.

• تغییر در ساختار قدرت: تسهیل انتشار اطلاعات، قدرت را از نهادهای انحصاری مانند کلیسا به مردم منتقل کرد و زمینه‌ساز جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی شد.

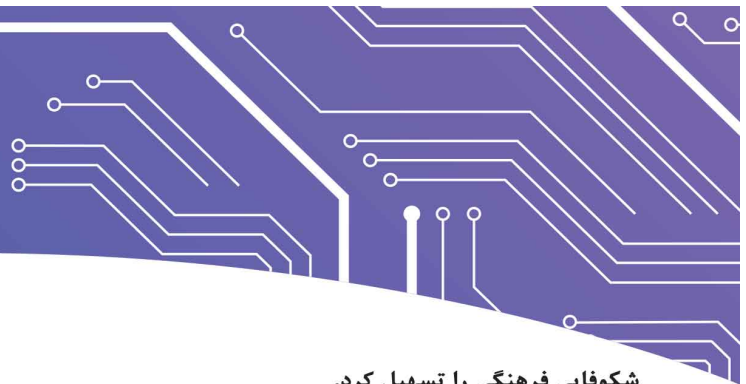
• اختراع تلویزیون: تلویزیون به‌عنوان یکی از فناوری‌های قرن بیستم، تأثیر گسترده‌ای بر فرهنگ‌عامه و هویت جمعی گذاشت. تلویزیون نه تنها منبع اصلی سرگرمی و اطلاع‌رسانی بود، بلکه فرهنگ عمومی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داد. این فناوری، با انتقال فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌ها به مناطق مختلف جهان، نقشی مهم در جهانی‌سازی فرهنگی ایفا کرد. با این حال، برخی نظریه‌پردازان مانند ریموند ویلیامز معتقد بودند که تلویزیون و فناوری‌های مشابه، بازتابی از نیازها و فشارهای اجتماعی و اقتصادی هستند و صرفاً به واسطه اهداف قدرت‌های اقتصادی توسعه یافته‌اند:

• ایجاد فرهنگ جهانی: تلویزیون به اشتراک‌گذاری تصاویر و ایده‌ها در مقیاس جهانی کمک کرد و زمینه‌ساز ظهور فرهنگ پاپ (pop culture) شد.

• تحول در اوقات فراغت: الگوی زندگی خانوادگی با ورود تلویزیون تغییر کرد و تماشای برنامه‌های تلویزیونی به یکی از رایج‌ترین فعالیت‌های اوقات فراغت تبدیل شد.

• اثرگذاری بر سیاست: تلویزیون به ابزاری مهم برای تبلیغات سیاسی و شکل‌دهی به افکار عمومی تبدیل شد؛ نمونه بارز آن مناظره‌های انتخاباتی در آمریکا بود که برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ پخش شدند.

ظهور اینترنت: اینترنت، با تبدیل جهان به «دهکده جهانی» انقلابی در تعاملات اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرد. اینترنت با فراهم کردن دسترسی سریع به اطلاعات و تسهیل ارتباطات بین فرهنگی، به ابزار قدرتمندی برای شکل‌دهی به فرهنگ‌های جدید تبدیل شد. در عین حال، چالش‌هایی مانند شکاف دیجیتال و تأثیرات منفی رسانه‌های اجتماعی نیز مطرح است. اینترنت انقلابی در ارتباطات و اطلاعات به وجود آورد و فرهنگ جوامع را به شکلی بی‌سابقه متحول کرد:



همچنین به خلق هویت‌های چند فرهنگی در جوامع کمک کرده‌اند، به‌ویژه در میان جوانان که به فرهنگ‌های مختلف دسترسی سریع دارند.

• افزایش دسترسی به دانش و اطلاعات: فناوری‌های جدید؛ منابع آموزشی، مقالات پژوهشی، و داده‌های فرهنگی را به شکلی گسترده و آسان در اختیار مردم قرار داده‌اند. این تغییرات باعث افزایش سطح دانش عمومی و توانمندی فردی شده و امکان یادگیری مادام‌العمر را فراهم کرده است. به‌عنوان مثال، پلتفرم‌های آموزشی آنلاین و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی مانند دستیارهای آموزشی، نقش مهمی در پیشرفت‌های فرهنگی و علمی ایفا می‌کنند.

۲-۵- بررسی تأثیرات منفی

• خطر نابودی فرهنگ‌های بومی: گسترش فرهنگ غالب جهانی، مانند آمریکایی‌سازی از طریق رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، موجب تضعیف فرهنگ‌های محلی و بومی شده است. بسیاری از جوامع با چالش حفظ زبان‌ها، هنرها، و سنت‌های خود در برابر سیل اطلاعات جهانی مواجه هستند. این تهدیدها به‌ویژه برای فرهنگ‌هایی که در حال حاضر در اقلیت هستند، جدی‌تر است.

• چالش‌های اخلاقی و هویت فرهنگی: فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی اغلب دارای سوگیری‌های ذاتی هستند که می‌توانند ارزش‌های فرهنگی خاصی را تقویت یا تضعیف کنند. این مسئله در ابزارهایی مانند ترجمه‌های ماشینی یا الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی مشهود است، که ممکن است محتوایی مغایر با هویت فرهنگی جوامع را ترویج دهند. همچنین، نگرانی‌هایی در مورد حفظ حریم خصوصی و داده‌های شخصی کاربران وجود دارد، که چالشی جدی برای پذیرش گسترده فناوری در برخی فرهنگ‌هاست.

۳-۵- مطالعه موردی

• شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ جوانان: شبکه‌های اجتماعی توانسته‌اند سبک زندگی و ارتباطات جوانان را به شدت تغییر دهند. این فضاها نه تنها ابزارهایی برای ابراز خلاقیت و اشتراک تجربیات هستند، بلکه هویت فرهنگی جوانان را بازتعریف کرده‌اند. با این حال، استفاده بیش‌ازحد از این شبکه‌ها به انزوای اجتماعی و افزایش چالش‌های

شکوفایی فرهنگی را تسهیل کرد.

• عصر روشنگری و فناوری علمی: ابزارهایی مانند تلسکوپ و میکروسکوپ به پیشرفت علم و فرهنگ علمی منجر شدند و ارزش‌های عقل‌گرایانه روشنگری را تقویت کردند.

• ظهور اینترنت و دموکراسی دیجیتال: فناوری دیجیتال امکان مشارکت گسترده‌تر مردم در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی را فراهم کرده است؛ از کمپین‌های آنلاین گرفته تا جنبش‌های مدنی.

۴-۳- نمونه‌هایی از جوامع مختلف

• اروپا: اختراع ماشین بخار و انقلاب صنعتی، اروپا را از یک جامعه کشاورزی به یک جامعه صنعتی تبدیل کرد. این تحول نه تنها در سبک زندگی بلکه در ارزش‌های فرهنگی مانند فردگرایی و پیشرفت نیز تأثیر گذاشت.

• آمریکا: اختراع تلگراف و سپس تلفن در آمریکا موجب تسریع ارتباطات شد و بر مفهوم زمان و مکان تأثیر گذاشت. این فناوری‌ها باعث شکل‌گیری یک فرهنگ تجاری مبتنی بر سرعت و بهره‌وری شدند.

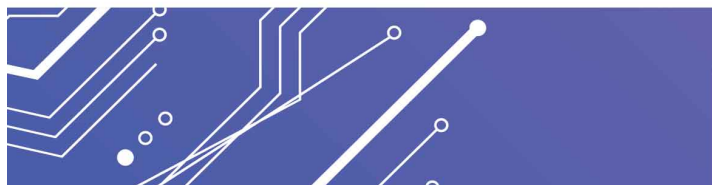
• آسیا: در ژاپن، ورود فناوری‌های غربی در دوران میجی (Meiji) با اصلاحات فرهنگی و اجتماعی همراه شد. فناوری‌های جدید به تغییر در ساختار اجتماعی و ظهور ارزش‌هایی نظیر کارآفرینی و مدرنیسم کمک کردند.

• خاورمیانه: در جوامع خاورمیانه، ورود فناوری‌هایی نظیر رادیو و تلویزیون به ترکیب عناصر سنتی و مدرن در فرهنگ منجر شد. رادیو به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای انتقال پیام‌های ملی‌گرایانه و دینی به کار گرفته شد.

۵- فناوری‌های نوین و فرهنگ معاصر

۱-۵- بررسی تأثیرات مثبت

• جهانی‌شدن و همگرایی فرهنگی: فناوری‌های دیجیتال، اینترنت، و شبکه‌های اجتماعی امکان تعامل و تبادل فرهنگی بی‌سابقه‌ای فراهم کرده‌اند. افراد از نقاط مختلف جهان می‌توانند با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و سبک‌های زندگی دیگر آشنا شوند، که منجر به تقویت همگرایی فرهنگی شده است. این امر از یک‌سو موجب رشد آگاهی جهانی و همکاری‌های بین‌المللی می‌شود، اما از سوی دیگر چالش‌هایی برای حفظ تنوع فرهنگی ایجاد می‌کند. فناوری‌های مدرن





روانی نیز منجر شده است.

• هوش مصنوعی و تولید هنر فرهنگی: هوش مصنوعی در خلق آثار هنری، موسیقی و محتوای فرهنگی نقش جدیدی یافته است. فناوری‌های تولید تصویر و متن مبتنی بر هوش مصنوعی، آثار خلاقانه‌ای تولید می‌کنند که گاه مرزهای سنتی هنر را درهم می‌شکنند. با این حال، برخی از این تولیدات به دلیل عدم درک دقیق ارزش‌های فرهنگی، چالش‌های اخلاقی و هنری به همراه دارند.

۶- رویکردهای تطبیقی در کشورهای مختلف در بررسی سیاست‌ها و فرهنگ در مواجهه با فناوری:

۶-۱- رویکرد کشورهای غربی؛ پذیرش لیبرال فناوری

کشورهای غربی معمولاً رویکردی لیبرال و پیشرو در قبال فناوری دارند. سیاست‌گذاری‌ها بر پایه تسهیل نوآوری، تقویت زیرساخت‌ها، و آزادسازی بازارهای فناوری استوار است. به عنوان مثال، ایالات متحده و کشورهای اروپایی سرمایه‌گذاری قابل توجهی در توسعه فناوری‌های دیجیتال، هوش مصنوعی، و انرژی‌های نو انجام داده‌اند. این کشورها همچنین با تنظیم قوانین شفاف و ارتقای همکاری بین بخش‌های دولتی و خصوصی، سعی در بهره‌برداری حداکثری از مزایای فناوری دارند.

از سوی دیگر، موضوعات اخلاقی و حفاظت از حریم خصوصی نیز در سیاست‌های آن‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. برای نمونه، اتحادیه اروپا با تدوین قوانینی مانند GDPR در زمینه حفاظت از داده‌ها تلاش کرده است تعادلی میان نوآوری و حفاظت از حقوق شهروندان ایجاد کند.

۶-۲- رویکرد کشورهای در حال توسعه؛ مقاومت یا تطبیق مشروط

کشورهای در حال توسعه غالباً با رویکردی محتاطانه‌تر با فناوری مواجه می‌شوند. موانعی همچون محدودیت‌های زیرساختی، کمبود بودجه و نگرانی از نابودی فرهنگ‌های بومی نقش مهمی در سیاست‌های این کشورها دارد. برخی از این کشورها مانند چین، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای برای کنترل و نظارت بر فناوری‌ها وضع کرده‌اند، اما در عین حال بر توسعه فناوری‌های داخلی تأکید دارند.

در ایران، سیاست‌گذاری‌ها اغلب با تأکید بر خودکفایی

در فناوری و تقویت اقتصاد دانش‌بنیان همراه است، اگرچه چالش‌هایی مانند محدودیت دسترسی به فناوری‌های پیشرفته به دلیل تحریم‌ها وجود دارد.

۶-۳- تأثیر سیاست‌ها و قوانین بر تعامل فرهنگ و فناوری

سیاست‌ها و قوانین نقش بسزایی در شکل‌گیری تعامل بین فرهنگ و فناوری ایفا می‌کنند. در کشورهای غربی، قوانین و سیاست‌ها بیشتر به سمت تشویق نوآوری، حمایت از شرکت‌های استارت‌آپی، و حفاظت از حقوق شهروندان متمایل هستند. در مقابل، بسیاری از کشورهای در حال توسعه بر مقررات‌گذاری و کنترل تأکید دارند تا از آسیب‌های فرهنگی جلوگیری کنند. به عنوان مثال، در هند، سیاست‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات به گونه‌ای تدوین شده که هم‌زمان با توسعه فناوری، از فرهنگ محلی نیز حفاظت شود. در چین، سیاست‌های دولتی نظارت شدیدی بر اینترنت و رسانه‌های دیجیتال اعمال می‌کند تا انسجام فرهنگی را حفظ کند.

۶-۴- مطالعات تطبیقی و چالش‌ها

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که موفقیت سیاست‌های مرتبط با فناوری تا حد زیادی به هماهنگی بین دولت، جامعه، و نهادهای علمی وابسته است. برای کشورهای در حال توسعه، بهره‌برداری از تجربیات کشورهای پیشرفته می‌تواند به کاهش شکاف فناوری و ارتقای فرهنگ دیجیتال کمک کند.

این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که مواجهه با فناوری مستلزم اتخاذ سیاست‌های متعادل و حساس به شرایط فرهنگی و اجتماعی هر کشور است.

۷- چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو در تعامل فرهنگ و فناوری

۷-۱- چالش‌ها

• دوگانگی فرهنگی (محلی گرایی در برابر جهانی گرایی): جهانی‌شدن ناشی از فناوری‌های دیجیتال باعث نزدیکی جوامع مختلف و تعاملات فرهنگی شده است، اما در این میان، فرهنگ‌های محلی ممکن است به حاشیه رانده شوند یا ارزش‌های سنتی آن‌ها تحت الشعاع قرار گیرد. این دوگانگی بین حفظ هویت فرهنگی و پذیرش ارزش‌های



سوی دیگر، چالش‌هایی مانند دوگانگی فرهنگی، نابرابری دسترسی به فناوری و تهدید هویت‌های محلی برجسته شده است. درک عمیق این تعامل برای اتخاذ سیاست‌های متعادل در راستای توسعه پایدار ضروری است. تحقیق در مورد رابطه فرهنگ و فناوری نشان می‌دهد که این تعامل پیچیده دارای پیامدهای مثبت و منفی است. فناوری‌های نوین مانند اینترنت، هوش مصنوعی و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزارهایی برای گسترش دانش و ارتقای فرهنگ عمومی عمل کرده‌اند. با این حال، چالش‌هایی نظیر نابودی فرهنگ‌های بومی، نابرابری دیجیتال، و تغییرات هویتی نیز به وجود آمده است. تحلیل رویکردهای تطبیقی کشورهای مختلف نشان داد که سیاست‌ها و قوانین می‌توانند نقش مؤثری در مدیریت این چالش‌ها داشته باشند.

۹- پیشنهادها

۱- ایجاد تعادل بین حفظ فرهنگ و پذیرش فناوری: سیاست‌گذاران باید با تدوین برنامه‌های جامع، از فناوری برای حفظ میراث فرهنگی و ارتقای آن بهره ببرند. دیجیتال سازی میراث فرهنگی، حمایت از صنایع خلاق، و تشویق به تولید محتوای محلی در بستر دیجیتال از جمله اقدامات پیشنهادی است.

۲- برنامه‌های آموزشی برای سواد دیجیتال و فرهنگی: ایجاد برنامه‌های آموزشی که نه تنها مهارت‌های استفاده از فناوری را آموزش دهند، بلکه بر فهم تأثیرات فرهنگی آن نیز تأکید کنند، ضروری است. این برنامه‌ها می‌توانند از طریق سیستم های آموزشی رسمی یا پلتفرم‌های آنلاین طراحی و ارائه شوند.

۳- تقویت همکاری‌های بین‌المللی: فناوری‌های دیجیتال ابزاری برای گسترش همکاری‌های بین فرهنگی هستند. سیاست‌گذاران می‌توانند با ایجاد چارچوب‌های بین‌المللی برای تبادل فرهنگی دیجیتال، از این فرصت‌ها بهره‌مند شوند.

منابع

۱. پستمن، نیل. (۱۳۸۰). سرگرمی: سقوط فرهنگ آمریکایی. تهران: نشر مرکز.
۲. کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. تهران: نشر نی.
۳. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). مدرنیته و خود هویت. تهران: نشر نی.
۴. لومان، نیکلاس. (۱۳۸۹). جامعه و سیستم‌های اجتماعی. تهران: نشر نی.

- 5- Bell, D. (1973). The Coming of Post-Industrial Society
- 6- Castells, M. (1996). The Rise of the Network Society
- 7- Eisenstein, E. L. (1980). The Printing Press as an Agent of Change.
- 8- Geertz, C. (1973). The Interpretation of Cultures.
- 9- Kroeber, A., & Kluckhohn, C. (1952). Culture: A Critical Review of Concepts and Definitions.
- 10- Postman, N. (1985). Amusing Ourselves to Death.
- 11- Thompson, E. P. (1963). The Making of the English Working Class.
- 12- McLuhan, M. (1964). Understanding Media: The Extensions of Man

جهانی یکی از چالش‌های اصلی است که جوامع در مواجهه با فناوری تجربه می‌کنند.

• سواد دیجیتال و نابرابری دسترسی: نبود دسترسی برابر به فناوری‌های دیجیتال به شدت بر شکاف دیجیتال تأثیرگذار است. این مسئله نه تنها دسترسی به دانش و اطلاعات را محدود می‌کند، بلکه موجب افزایش شکاف اقتصادی و اجتماعی بین گروه‌های مختلف می‌شود. برای مثال، بسیاری از جوامع محروم، توانایی بهره‌گیری از اینترنت پرسرعت یا ابزارهای دیجیتال را ندارند که باعث عقب‌ماندگی در زمینه‌های آموزشی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود.

۷-۲- فرصت‌ها

• ارتقای فرهنگ با بهره‌گیری از فناوری: فناوری می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای حفظ و انتقال میراث فرهنگی عمل کند. دیجیتال‌سازی متون، آثار هنری و فرهنگ شفاهی امکان مستندسازی و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده را فراهم می‌کند. همچنین، فناوری اطلاعات دسترسی به منابع فرهنگی و هنری را برای همه اقشار جامعه تسهیل کرده است.

• ظهور جنبش‌های فرهنگی جدید: پلتفرم‌های دیجیتال زمینه‌ساز شکل‌گیری جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر و اینستاگرام بستری برای بیان مسائل اجتماعی و فرهنگی فراهم آورده‌اند و موجب تقویت صداهای کمتر شنیده شده شده‌اند. جنبش‌هایی مانند #MeToo و #BlackLivesMatter نمونه‌های بارز این فرصت‌ها هستند که از طریق فضاهای مجازی به گفتمان‌های جهانی تبدیل شده‌اند.

۷-۳- تحلیل

چالش‌ها و فرصت‌های تعامل فناوری و فرهنگ نیازمند سیاست‌گذاری‌های هدفمند هستند. حمایت از فرهنگ‌های محلی، آموزش سواد دیجیتال و تضمین دسترسی برابر به فناوری از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند اثرات مثبت فناوری را تقویت کرده و از پیامدهای منفی آن بکاهند. این تغییرات نیازمند همکاری میان دولت‌ها، نهادهای فرهنگی و شرکت‌های فناوری است.

۸- نتیجه‌گیری

خلاصه یافته‌ها در تحلیل رابطه بین فناوری و فرهنگ نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین به‌طور عمیقی بر ابعاد مختلف فرهنگی، از انتقال دانش گرفته تا شکل‌دهی هویت‌های جدید، تأثیر گذاشته‌اند. تأثیرات مثبت شامل گسترش همگرایی فرهنگی، افزایش دسترسی به اطلاعات و ایجاد فرصت‌هایی برای ظهور جنبش‌های فرهنگی است. از